

یا من ادخره الله لخدمه امره و اعلاء کلمته آنچه مرقوم فرموده بودید قرائت و تلاوت گردید حمد جمال قدم را که ناطق براحت و آسایش و الفت و محبت قلوب و انس و اتحاد نفوس بود حمدا له ثم شکرا له از جمله مضامین ذکر وقع امر در انظار بود عزت و عظمت امر الله در انقطاع و علو امتناع و خلوص و تحمل بلایا و جانفشانی احباء الله فی سبیل الله است اگر چنانچه این عباد همیشه در مهد امن و امان و در مأمن آسایش دل و جان بیارمیم و در بستر پر و پرنیان بیاسائیم نه ذنبی باشد و نه ابن ذنب و نه ظلی باشد و نه ظلمتی نه مشقتی و نه کلفتی نه بلائی و جفائی و نه زحمتی این عباد نیز مثل سائر امم گردیم و حقوق ملیت در مواقع و مراکز سیاست محفوظ و مصون ماند ملاحظه فرمائید که حضرت اعلی روحی له الفدا و جمال قدم فدیت احبائه الثابتین بروحی و نفسی چه محن و بلایا و رزایا در سبیل اعلاء کلمه الله تحمل فرمودند آن صدر مبارک هزار تیر رصاص بر آن وارد شد و آن گردن مقدس در زیر زنجیر در زندان چاه ظلمانی مدتی مدید آزرده و خسته گشت و در مدت پنجاه سال در اکثر موارد باعظم شدائد مبتلا از اول ابداع تا بحال چنین واقعه ئی در حق احدی واقع نشده و در تاریخی مذکور نه که نفسی از محلات نفی و سرگون بمحلات نفی و سرگون اعظم از آن نفی و سرگون گردد مگر مظلوم آفاق روحی لضره الفدا از ایران بعراق در فصل شدت سرما و کثرت برف و باران با اهل و اطفال و فقدان جمیع اسباب و از عراق بمدینه کبیره و از آنجا بادرنه و از آنجا باین زندان بلا و قلعه خرابه عظمی که ذکرش در السن و افواه سبب استیحاش میگردد این چنین بلایاء متتابعه و رزایاء مترادفه در هیچ عهد و عصری واقع نشده نهایت اینست که عظمت امر و قدرت و قوت حق و علو و امتناع مظهر ظهور چنان واضح و مشهود بود که اعین و انظار حیران میگشت و ناس و حکام و ضباط و ارکان مملکت طوعا و کرها خاضع و خاشع بودند و اگر کسی باین سجن اعظم وارد میشد گمان نمینمود که این عباد مسجونند بلکه عظمت آن بر ارکان عالم احاطه نموده بود هر کس می دید حیران میگشت و الا در نفسی آن ذات مقدس از آلام و بلایاء بی حد و پایان آرام نداشتند حال با وجود این صدمات شدیدة جمال قدم چگونه توان آسایش بجهد دردمندان طلبید و یا آرایش بجهد

دوستان خواست؟ بلا را باید بدعا از خدا خواست و مصائب را بجان و دل باید آرزو داشت حضرت اعلیٰ روحی له فدا میفرماید خدایا اگر بلائیا سبیل تو نبود ابدا من قبول نمینمودم که باین عالم آیم و در قمیص جسمانی در آیم از خدا بخواهید که تأییدات بلائیه را در هیچ وقت مقطوع ننماید در حین نزول بلاء اهل ثبوت و رسوخ چون شمع و جوهشان روشن گردد و ترقی در جمیع مراتب نمایند و ضعفاء فرار اختیار کنند و مضطرب شوند و متزلزل گردند شما از تعرضات مشرکین محزون نشوید از خمودت بعضی دوستان محزون شوید که با وجود آنکه جمال قدم روحی لترات اقدامه فدا مدتی مدیده ما را بانواع الطاف و احسان و اعطاف و رحمت کبری تربیت فرمودند که الیوم چون شعله عظمی آتش بقلوب آفاق زنیم افسردگی چیست پزمردگی چه وقت خدمت امر الله است حین نشر نفحات الله و انقطاع از ما سوی الله